



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عزیز ما صاب
الربما

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



مجمع تشخیص و آراء شورای عالی انقلاب فرهنگی



مکتب

در مکتب اهل بیت

جلد ۶

بداء در قرآن کریم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بداء

نویسنده:

عبدالکریم بهبهانی

ناشر چاپی:

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	بداء
۶	مشخصات كتاب
۶	اشاره
۱۴	سخن مجمع
۱۸	مقدمه
۱۸	اشاره
۲۲	حال نگاه بيندازيد و ببينيد:
۲۶	بداء در قرآن كريم
۲۶	اشاره
۳۲	دلایل امامیه در مسائل بداء
۳۲	اشاره
۳۲	۱- آیات قرآن:
۳۲	۲- مسأله نسخ در تشريع
۳۳	۳- تأثیر اعمال در سرنوشت انسان:
۳۴	«بداء» از دیدگاه دانشمندان شیعه:
۳۸	نقش بداء در اعتقاد و تربیت سازنده:
۳۸	اشاره
۳۹	۱- از نظر عقیدتی:
۴۱	۲- از نظر تربیتی:
۴۲	پرسشهایی در باره ی بداء
۴۵	چکیده بحث
۴۷	درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: بهبهانی، عبدالکریم

عنوان قرارداد: البداء فی القرآن الکریم . فارسی

عنوان و نام پدیدآور: بداء [کتاب] / تالیف گروه پژوهش و پاسخ به شبهات، عبدالکریم بهبهانی؛ مترجم گروهی از مترجمان مجمع جهانی اهل بیت (ع)؛ تهیه کننده اداره ترجمه معاونت فرهنگی [مجمع جهانی اهل بیت (ع)]؛ ویراستاری امرا... نصیری.

مشخصات نشر: قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۴۳۵ ق. = ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۴۱ص؛ ۵/۱۴ × ۲۱ س م.

فروست: در مکتب اهل بیت علیهم السلام؛ ۶.

شابک: دوره ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۲۷۰-۴؛ ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۲۷۶-۶

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: بداء

موضوع: احادیث اهل سنت -- قرن ۱۴

شناسه افزوده: نصیری، امرا، ویراستار.

شناسه افزوده: مجمع جهانی اهل بیت (ع)

شناسه افزوده: مجمع جهانی اهل بیت (ع). اداره ترجمه

رده بندی کنگره: BP۲۱۸/۴۴ب/۹۶ب/۴۱ ۴۰۴۱ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۲۷۹۹۳

ص: ۱

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣

تالیف گروه پژوهش و پاسخ به شبهات، عبدالکریم بهبهانی

مترجم گروهی از مترجمان مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)

«کار اساسی شما [مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)] ... معرفی مکتب اهل بیت (علیهم السلام) است به دنیای اسلام. بلکه به سراسر عالم، چون امروز همه دنیا تشنه معنویت اند و این معنویت در اسلام هست و در اسلامی که در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) معرفی می کند به نحو جامع و کاملی وجود دارد».

(از بیانات مقام معظم رهبری «مد ظله العالی»، ۱۳۸۶/۵/۲۸)

مکتب اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) که تبلور اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) و متکی بر منبع وحیانی است، معارف ژرف و عمیقی دارد که از اتقان، استحکام و برهان برخوردار می باشد و مطابق با فطرت سلیم انسان هاست؛ بر همین اساس است که حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«فإنَّ الناس لو علموا محاسن كلامنا لا تبعونا» [شیخ صدوق (رحمه الله)، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲: ۲۷۵]. این مکتب غنی و نورانی در پرتو عنایات الهی و هدایت ائمه ی اطهار (علیهم السلام) و نیز مجاهدت هزاران جهادگر عرصه های علم و فرهنگ در طول قرون گذشته و حال، بسط و گسترش یافته است.

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (قدس سره) و تأسیس نظام اسلامی با تکیه بر قوانین اسلامی و با

محوریت ولایت فقیه، افق های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدیدی را برای انسان های آزاده به ویژه مسلمانان و پیروان و محبان اهل بیت (علیهم السلام) گشود و توجه بسیاری از نخبگان و مستضعفان جهان را به خود معطوف کرد.

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، مولود این دگرگونی مبارک است که به ابتکار مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی) در سال ۱۳۶۹ شمسی / ۱۹۹۰ میلادی تأسیس شد و تاکنون خدمات شایانی را در تبلیغ معارف قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) و حمایت از پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان انجام داده است.

معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) در راستای رسالت خود جهت ارتقای شناخت و آگاهی پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در موضوعات، سطوح، مخاطبان و عرصه های مختلف، در حوزه های تولید کتاب و مجلات به زبان های متعدد و سائر محصولات فرهنگی به فعالیت پرداخته است.

این اثر با هدف معرفی معارف اهل بیت (علیهم السلام) و پاسخ به شبهات مخالفین به ویژه وهابیان و سلفی ها تهیه شده و حاصل تلاش علمی و پژوهشی گروهی از پژوهشگران و نویسندگان فرهیخته و صاحب نظر و ارجمند می باشد.

در اینجا بر خود لازم می دانم از دبیر کل محترم مجمع، حضرات اعضای محترم شورای کتاب، مدیران محترم اداره کل پژوهش و

ترجمه، رئیس محترم گروه مطالعات بنیادی، دبیر محترم شورای کتاب و گروه مطالعات بنیادی، مترجمین عزیز و همکاران اداره ی ترجمه تقدیر و تشکر نمایم. همچنین از برادرانی که در ویرایش، تایپ، مقابله، تصحیح، آماده سازی، نشر و چاپ این کتاب تلاش کردند، تشکر می کنم و توفیق همگان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

معاونت امور فرهنگی مجمع در راستای تعمیق و پویایی آثار منتشره در حوزه ی معارف اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان، از دیدگاه ها و پیشنهادهای اساتید، فرهیخته گان، صاحب نظران و پژوهش گران ارجمند استقبال می کند تا زمینه های بسط و گسترش هرچه بیشتر معارف اهل بیت (علیهم السلام) فراهم گردد.

به امید تعجیل در ظهور و فرج منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج).

نجف لک زایی

معاون امور فرهنگی

ص: ۱۱

وحدت، همبستگی، اتحاد و انسجام، از اصول عقلانی و برخاسته از اعماق سرشت انسانی است؛ هم چنان که یک اصل ثابت، مسلم و همیشگی دین مقدس اسلام نیز بوده و هست و تحقق آرمان های آفرینش و نیل به اهداف عالی آن در این راستا قابل دسترسی است و قطعاً هیچ قوم و آحاد جامعه ای، در جنگ و فتنه، نزاع و تفرقه، به خیر و سعادت و کمال انسانی، نخواهد رسید.

امام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ لَمْ يَعْطِ أَحَدًا بَفُرْقِهِ خَيْرًا مِّمَّنْ مَضَى وَلَا مِمَّنْ بَقِيَ. (۱)

«خداوند سبحان، نه به گذشتگان و نه به آیندگان، با تفرقه و جدایی خیری را عطا نکرده و نمی کند».

در سایه وحدت و یک دلی است که جامعه به آرمان ها و پله های ترقی، گام نهاده و زیباترین استحکامات را بر سرتاسر جامعه حاکم می کند و محبت و صمیمیت و صلح و صفا را می گستراند.

از این رو، می بینیم قرآن کریم با لحن محکم و با هدف هدایت، چنین می فرماید:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ. (۲)

ص: ۱۳

۱- (۱) - نهج البلاغه: خطبه ۱۷۶.

۲- (۲) - آل عمران: ۱۰۳.

«همه با هم، به حبل الله چنگ زنید و پراکنده نشوید و یاد بیاورید آن زمانی را که با هم دشمنی می کردید. پس خداوند دل های شما را به هم نزدیک کرد و الفت و برادری بر شما حاکم نمود و (نیز) یاد بیاورید آن زمانی را که شما، در لبه پرتگاه آتش قرار داشتید، پس خداوند شما را از آن نجات داد و خداوند این چنین آیات خود را تبیین می کند، شاید به هدایت دست یابید».

و نیز پیامبر اکرم؛ حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضاً». (۱)

«نسبت فرد با ایمان با مؤمن دیگر، همانند اجزای یک ساختمانند که هر جزئی از ساختمان، جزء دیگر را نگه داشته و محکم می نماید».

و نیز حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) می فرماید:

«المؤمن أخو المؤمن، كالجسد الواحد، إن اشتكى شيئاً منه وجد ألم ذلك في سائر جسده». (۲)

«مؤمن برادر مؤمن است، مانند آنکه یک جسد می باشند؛ اگر عضوی از آن به درد آید، درد و رنج آن به دیگر اعضا خواهد رسید».

بنابر این تفرقه، کینه توزی، نزاع و خون ریزی، هرگز مشروعیت و مصونیت نداشته و از کبائر و زشتی هاست که وجدان و عقل سلیم، آن را بی اساس و بی فرهنگی معرفی کرده و در دین اسلام هم شدیداً مورد نکوهش و توبیخ قرار گرفته و مرتکب آن را به عذاب الهی، وعده داده است.

جهالت جاهلان و دسیسه دسیسه گران و فتنه انگیزان، در طول تاریخ مسلمین، کوشیده است که وحدت صفوف و یک پارچگی مسلمین، به جنگ و

ص: ۱۴

۱- (۱) - اصول کافی ۱۶۶/۲؛ نهج الفصاحه: ۷۷۹؛ کنز العمال: ۱۴۱/۱.

۲- (۲) - بحار الأنوار: ۱۴۸/۶۱.

خون ریزی تبدیل شده و کینه و بغض و بد بینی و اِتهام به خروج از دین و ورود در شرک را گسترش دهد. بنابر این بر مسؤلان و رهبران اُمّت و بر آحاد جامعه اسلامی، فرض و حتم است که اجازه ندهند چنین فضائی بر جامعه اسلامی حاکم گردد و در نتیجه ذخائر و ثروت های امت اسلام، توسط مستکبران روزگار و کافران خوش رنگ و نگار و صاحبان تراست ها و کارتل ها به راحتی و سهولت، غارت شود.

ما پیروان اهل بیت (علیهم السلام)، بر خود لازم می دانیم جهت وحدت بیشتر مسلمین و زدودن موانع این اتفاق و انسجام، نسبت های ناروائی که در طول تاریخ، به ویژه در این سال های اخیر، به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و به صورت ناجوانمردانه نسبت داده شده، از خود دور کنیم و با تمام وجود، از این تهمت ها و نسبت ها توسط تکفیری ها و جریاناتی که آلت دست انگلیسی ها، صهونیست ها، و غارتگران امریکا و ... هستند، اعلان انزجار و تبری بجویم.

از باب نمونه:

۱ - ما که کتاب آسمانی مصون از تحریف، یعنی قرآن کریم را تنها کتاب همه مسلمین و بدون آن که کم و زیاد شده باشد و عیناً، همان قرآن کریم حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) و ثقل اکبر و سرتاسر آن را داعی توحید و یکتاپرستی می دانیم؟

- ما که بزرگ ترین موفّقیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را نفی بتها (اصنام) و نفی عبادت لات و عزّی و اعلان و تحقّق کلمه توحید «لا إله إلا الله» می دانیم؟

- ما که خطبه های غزای توحیدی مولی الموحّدين امیر المؤمنین (علیه السلام) را - شبانه روز - در مراکز آموزشی و پژوهشی، دانشگاه ها و حوزه ها و محافل علمی و تربیتی مان به تلاوت و تدریس و استضاءه می نشینیم؟

ص: ۱۵

- ما که در مساجد و مراکز عبادتی مان ، متون سراسر توحید اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه و آله) را همانند دعای کمیل از امام علی(علیه السلام)، دعای عرفه از امام حسین(علیه السلام) و دعای ابو حمزه ثمالی از امام سجاد(علیه السلام) و ده ها دعای توحیدی دیگر تلاوت می شود و طنین انداز است:

«... متی غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ... عَمِيْتُ عَيْنٌ لَا تَرَكَ... مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا أَلْمَذَى فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ...».

(۱)

- ما که هزاران اثر معرفتی و توحیدی همچون کتاب توحید شیخ اقدم «صدوق» را داریم، ما که ...

با همه این اوصاف، به صورت جاهلانه و مزورانه و مزدورانه به هدف بدبین کردن سایر مسلمین ناجوانمردانه به شرک متهم شده و می شویم!!! (فما لهم کیف یحکمون)!!؟!!

۲ - اعتقاد به امام مهدی(علیه السلام) و مهدویت، ریشه قرآنی دارد و مذاهب و فرق اسلامی - روی هم رفته - به آن اعتراف دارند تا جائی که انکار آن را موجب قتل منکر آن دانسته اند. (۲)

و نیز جایگاه رفیعی از سنت و معرفت اسلامی را برای آن حضرت ذکر کرده اند و قاطبه علمای اهل بیت(علیهم السلام) و بسیاری از علمای مذاهب اسلامی، روایات و احادیث و اخباری که در شأن و ولادت آن حضرت است، مورد تصریح و تصحیح و اعتراف قرار داده اند؛ مانند صاحب سنن ترمذی، قرطبی مالکی، ابوجعفر عقیلی، سیوطی، ابن حجر عسقلانی، حاکم نیشابوری، بیهقی، ابن اثیر، بغوی، ابن قیم، ذهبی، تفتازانی، ابن کثیر دمشقی، جزری شافعی، عبدالوهاب شعرانی، متقی هندی، عبدالباقی زرقانی، سفارینی حنبلی، محمد امین

ص: ۱۶

۱- (۱) - بحار الأنوار: ۲۲۶/۹۵ (بخشی از دعای عرفه).

۲- (۲) - همانند ابن حجر هیتمی شافعی، شیخ صبای حنفی، خطابی مالکی، یحیی حنبلی و...

سویدی، شوکانی، مؤمن شبلنجی، قنوجی بخاری، کتانی مالکی، خضر مصری، غماری شافعی، ناصر الدین البانی، ابواعلی مودودی، کمال الدین ابن طلحه شافعی، یاقوت حموی، ابو نعیم اصفهانی، ابن جوزی حنبلی، گنجی شافعی، جوینی شافعی، ابن علی شافعی همدانی، حمد الله مستوفی، ابن شحنة حلبی حنفی، خواجه پارسا حنفی، ابن صبّاغ مالکی، سراج رفاعی، ابن طولون دمشقی، ابو عیّاس قرمانی حنفی، ابن عامر شیراوی، سباط قاضی حنفی، قندوزی حنفی، حمزوی شافعی مصری، زرکلی سلفی، یونس سامرای، احمد طوسی بلاذری، ابن شاکر بدری شافعی، عبدالکریم یمانی، صبان شافعی، ابن عماد دمشقی حنبلی و غیر اینان... .

حال نگاه بیندازید و ببینید:

امام مهدی (علیه السلام) و مهدویت - که در کتاب و سنت، محکم ترین ریشه و اساس و برهان و این همه معترف به تواتر و صحت و ولادت و حیات از جمیع فرق اسلامی دارد- چگونه با زشت ترین تعبیرها مورد استهزاء و تمسخر و افتراء و نسبت های ناروا قرار گرفته است؟!.

از این عصاره انبیاء و خلف اوصیا، گاهی به «امام مزعوم» و گاهی به «معدوم» و ... تعبیر می شود!! و گاهی می نویسند که شیعیان کنار سرداب حله یا سرداب بغداد، یا سرداب سامرا (۱) و یا ... مرکبی را آماده می کنند تا آن که او وقتی که از آن سرداب خارج شد، سوار آن مرکب شود!. اینان هنگام نماز هم، هم چنان در کنار مرکب باقی می مانند، زیرا ممکن است که در همان وقت از سرداب خارج شود و کسی کنار مرکب نباشد تا او را سوار کنند!!.

ص: ۱۷

وارونه نشان دادن حقایق، تحریف و سیاه‌نمایی در زمینه اعتقادات و معارف حقه اهل بیت (علیهم السلام) توسط دشمنان و بقاء بر میت‌های آکله‌الاکباد و آنان که گوینده «لااله الا الله و محمد رسول الله» و معتقدان معاد و محشر و اهل قبله و قرآن را همانند گوسفند سر می‌برند و جهت جلب رضایت سردمداران کفر و غاصبان قدس، همه‌گونه خوش‌خدمتی دارند و در تمام دوران ننگین رژیم جعلی و سفاک صهیونیستی، در حمایت از مظلومین فلسطین، و مقدسات مسلمین حتی یک فشنگ و یا تیری رها نکرده‌اند، اما هر روز شاهد آنیم که دسته‌دسته اهل قبله و توحید و بعثت و معاد را با کمال شقاوت و بی‌رحمی، قطعه‌قطعه و به آتش می‌کشند و فتنه و تفرقه را بین امت اسلام می‌گسترانند.

لازم به تذکر است: این دو مورد به عنوان نمونه بود و گرنه مسلمانان هر روزه شاهد نشر و بسط صدها مورد دیگر با هزاران سایت و کتاب و مقالات و نرم‌افزار، توسط این مجموعه فاقد عاطفه و رحم و متحجر و تکفیری با هدف شوم تفرقه‌افکنی و جنگ و جدال در امت اسلامی می‌باشند، فالی الله المشتکی.

در هر صورت، ما به عنوان این که به حفظ وحدت مسلمین و قطع ید اجانب از بلاد اسلامی و زدودن اتهامات و افتراءات از مکتب اسلام و معارف اهل بیت (علیهم السلام) مکلفیم، بر خود واجب می‌دانیم جهت زایل کردن بدبینی از ذهنیتی که اینان در بین عموم مسلمین با دروغ، نفاق، افتراء و بهتان ساخته‌اند، اقدام نماییم و انزجار و بی‌زاری خود را از این تفرقه‌افکنان و جنگ‌افروزان وابسته به استکبار و کفر جهانی، اعلان نماییم.

مجموعه «فی رحاب اهل البیت (علیهم السلام)» (۱) حدود چهارده سال پیش، جهت زدودن این ذهنیت و زدودن برخی از موانع وحدت، در معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و با کمک، مساعدت و همکاری گروهی از فضلا و محققین (۲)، طراحي و سپس مورد تنظيم و تدوين قرار گرفت.

بحمدالله به سرعت و به طور گسترده و چشمگیر، مورد استقبال محافل علمی و پژوهشی و علاقه مندان و دوستان وحدت مسلمین، قرار گرفت.

شخصیت های علمی و دست اندرکاران نشر و قلم و گروه های محاوره و مناظره، در همان زمان تدوین و نشر، پیشنهاد ترجمه ی این مجموعه را به زبان های زنده دنیا دادند که بحمدالله ترجمه فارسی آن توسط اداره ترجمه

ص: ۱۹

۱- (۱) - این مجموعه بیش از چهل جلد است که هر یک از آنها به یک موضوع و یک شبهه اختصاص دارد و به زبان عربی و با سبک مقارنه و ارائه دلائل تنظیم یافته است.

۲- (۲) - جهت تقدیر از زحمات عزیزانی که در این مجموعه به نوعی تلاش داشته و نقشی که در تحقق این کار علمی و فرهنگی داشته اند. متذکر می شویم: ۱- ابوالفضل اسلامی (علی)؛ مسؤول گروه و مشرف علمی پروژه. ۲- سید منذر حکیم؛ پیگیر امور مجموعه. ۳- ۵- سید عبدالرحیم موسوی (رحمه الله)، شیخ عبدالکریم بهبهانی و صباح بیاتی؛ تهیه کنندگان بعضی از متون مجموعه. ۶- ۹- شیخ عبدالأمیر سلطانی، شیخ محمد هاشم عاملی، شیخ محمد امینی و شیخ علی بهرامی؛ تصدی مسائل استخراج و مقابله. ۱۳ - ۱۰- سید محمدرضا آل ایوب، عباس جعفری، حسین صالحی و عزیز عقابی؛ در مسائل تصحیح و تطبیق و روند امور. ضمن آن که از نظرات ارزشمند آقایان: شیخ جعفر الهادی (خوشنویس)، شیخ محمد هادی یوسفی غروی، استاد صائب عبدالحمید و غیر اینان در برخی از این متون استفاده کرده ایم. جزاهم الله خیر الجزاء. (ناشر)

معاونت امور فرهنگی، آماده گردید و اینک مورد بررسی مجدد و ویراستاری قرار گرفت و تقدیم علاقه مندان می شود.

امید است که این تلاش و جهاد فرهنگی، مورد قبول پروردگار متعال و عنایت حضرت بقیه الله الأعظم (علیه السلام) قرار گرفته باشد.

گروه مطالعات بنیادی

ابوالفضل اسلامی (علی)

۱۳۹۲/۸/۲۸

ص: ۲۰

بحث «بداء» از جمله مسائل مهم کلامی است که بحث گسترده ای را در میان دانشمندان علم کلام بر جای نهاده است و به همین دلیل، حاوی نکات دقیق و حساس می باشد.

«بداء» در لغت به معنای آشکاری بعد از پنهانی است و در گفتگوهای عامیانه در مورد عوض شدن نظر، فکر، اهداف و مقاصد به کار برده می شود؛ مثلاً می گویند: نظرش چنین بود، سپس برایش بداء حاصل شد. روشن است که بداء به این معنا در درون خود، یک جهل گذشته و یک علم جدید دارد و هر دو از خدای تعالی منتفی است؛ زیرا علم خدای سبحان، ذاتی بوده و از جهل گذشته مبرا است.

اگر در معنای لغوی «بداء» دقت کنیم، می بینیم که از دو عنصر، ترکیب یافته است (۱):

۱- جهل گذشته و علم فعلی.

۲- عوض شدن نظر، اغراض و اهداف، به تبعیت از علم فعلی.

حال کدام یک از دو عنصر یاد شده با توحید سازگار نیست؟ اولی یا دومی و یا هر دو؟

ص: ۲۱

آیا امکان دارد که آنها را از هم جدا سازیم به این شکل که: عوض شدن و تغییر از جهل گذشته و علم فعلی، برگرفته نشده باشد؟.

نسبت به عنصر اوّل (جهل گذشته) باید گفت که: این عنصر با توحید سازگار نیست و هیچ مسلمانی نسبت جهل به خدای سبحان را نمی پذیرد و نیازی به بیان آیات و روایات در این مورد نیست.

نسبت به عنصر دوّم نیز گفتنی است که: اگر «عوض شدن» لازمه ذاتی وجود جهل گذشته و عارض شدن علم فعلی باشد، در این صورت هم، با توحید سازگاری ندارد و همان گونه که جهل با توحید ناسازگار است، هر عوض شدن و تغییر ناشی از جهل نیز با توحید ناسازگار می باشد. و اگر عوض شدن، لازمه ذاتی جهل گذشته و عارض شدن علم فعلی و برگرفته از آن جهل نباشد و تنها از عوامل دیگری گرفته شده باشد، در این صورت با توحید ناسازگار نخواهد بود.

پس عوض گشتن رأی و نظر، از لوازم ذاتی آشکار شدن علم و از بین رفتن «جهل» است و بنابراین فرض، همان گونه که نسبت دادن «جهل» به خدای تعالی ممکن نیست، نسبت دادن «عوض شدن رأی و نظر» به خدای سبحان نیز ممکن نمی باشد.

اصولاً- نسبت دادن خود مفهوم رأی و نظر به خدای سبحان، ممکن نیست تا چه رسد به عوض شدن و تغییر آن؛ چرا که این مفهوم وابسته

به مفهوم به دست آوردن و کسب کردن علم است و علم الهی به دست آوردنی و کسب کردنی نیست تا گفته شود این نظر ورآی خداوند است بلکه تنها علم ذاتی است که به ذات باری تعالی وابسته است.

بعد از روشن شدن پرسش، در صدد هستیم با مراجعه به قرآن، به دست آوریم که آیا در آن، آیه ای یافت می شود که تغییر و جا به جایی در یکی از دستورها، یا یکی از ابعاد را به خدای سبحان نسبت داده باشد؟

برخی در مقام پاسخ بر آمده و با عجله گفته اند: طبق آیات شریفه... *وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا*... (۱) و... *وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا*... (۲)، قرآن کریم هرگونه تغییر و جا به جایی را از خدای سبحان مردود دانسته است.

ولی این پاسخ، کافی نیست؛ چرا که حقیقت قرآن بر گرفته از تمام قرآن است؛ هر مسأله ای که تنها از یک بُعد معین گرفته شده باشد، فقط نیمی از حقیقت آن را به تصویر کشیده است. این جواب هم نیمی از حقیقت را بیان می کند؛ چون تنها از یک بعد قرآن کریم بر گرفته شده است؛ حال آن که قرآن کریم، بعد دیگری دارد که تغییر و جا به جایی را به خدای سبحان نسبت داده است :

ص: ۲۳

۱- (۱) - فاطر (۳۵) : ۴۳.

۲- (۲) - احزاب (۳۳) : ۶۲.

يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ (۱) «خدا هر چه را بخواهد محو و هر چه را بخواهد اثبات می کند و امّ الكتاب (لوح محفوظ) نزد او است.» و نیز:

...إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ.... (۲)

«خداوند سرنوشت هیچ قوم (وملتی) را تغییر نمی دهد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند.»

پس آیه اول دلالت دارد که خداوند، محو و اثبات می کند و آن کنایه از تغییر و جا به جایی است، ولی آیه دوم صریحاً می فرماید: هنگامی که مردم خودشان خواستار تغییر آن باشند، خداوند حال آنان را تغییر می دهد، پس وضعیت اقتصادی و سیاسی مردم، از مقدرات الهی است که اگر مردم خواستار تغییر آن باشند، قابل تغییر است. همچنین وضعیت فرهنگی، از شرک به ایمان و از گمراهی به هدایت، قابل تغییر است.

پس دو گونه تغییر داریم:

۱- تقدیر الهی برای حالات مردم در طاعت.

۲- تقدیر الهی برای حالات مردم در معصیت.

اگر مردم، «طاعت» را بپذیرند، تقدیر اول بر ایشان جاری می گردد و اگر «معصیت» را بپذیرند، تقدیر دوم برای آنان اجرا می

ص: ۲۴

۱- (۱) - رعد (۱۳): ۳۹.

۲- (۲) - رعد (۱۳): ۱۱.

شود. آنچه در برخی از آیات، در مورد تأثیر بعضی از اعمال در روزی، سرنوشتها و آزمایشها بیان شده از این قبیل است.

مسلمانان در این مطالب، اختلافی ندارند. تنها در معنای لغوی بداء - که ناسازگار با توحید است - اختلاف وجود دارد. گفتنی است که بداء نسبت دادن جهل به خدای سبحان نیست بلکه به این معناست که خداوند به دلیل خاصی برای بنده اش چیزی را مقدر می فرماید، سپس طبق دلیل دیگری، تقدیرش را عوض می کند و نتیجه آن عمل خاصی است که از بنده صادر شده است. و در هر دو صورت، این تغییر و تبدیل، وابسته به علم گذشته خداوند است.

حال اگر مخالفان از این معنا آگاه باشند، خواهند دانست که آن، مورد اتفاق همه مسلمانان است و اختلاف، تنها لفظی می باشد.

در این زمینه علامه سید عبدالحسین شرف الدین گفته است:

«دعوی بین ما و اهل سنت در مورد این مسأله لفظی است... اگر آنان در اختلاف درباره این مسأله پافشاری کنند و به دلیل اطلاق لفظ بداء آن را جایز ندانند؛ ما در مقابل حکم آنان، سر فرود می آوریم. اسم آن را هر طور که می پسندند، عوض کنند، و در مورد برادران مؤمن شان از خدا بترسند» (۱).

شیخ مفید (رحمه الله) نیز می گوید: «در مورد اطلاق لفظ بداء (گفتنی است که) من باشنیدن از آنها که واسطه بین بندگان و خدا هستند،

ص: ۲۵

بدان رسیدم و اگر چیزی در این مورد از ایشان نمی رسید، آن را صحیح نمی دانستم؛ همان گونه که اگر ایشان نگفته بودند که خدا غضبناک می شود، خشنود می گردد، دوست می دارد و تعجب می کند، هرگز آن را برای خدای سبحان جایز نمی دانستم، ولی از زمانی که آن را از ایشان شنیدم طبق یک سری معانی - که عقل از درک آنها ابا ندارد - به آن رسیدم. بین من و همه مسلمانان در این مورد اختلافی نیست و کسی که با آنها اختلاف دارد، تنها در لفظ اختلاف دارد؛ نه غیر آن و دلیل خود را در مورد اطلاق آن با چیزی توضیح دادم، که کلام در برابر آن، کم و کوتاه است. آنچه بیان شد تمام مذهب امامیه است و هر کس که از نظر مذهبی از آن فاصله بگیرد، تنها آنچه را که در اسم آن وجود دارد، منکر شده است، نه معنای آن را» (۱).

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه شریفه: *يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ* فرموده است:

«هر آنچه خدا آن را بخواهد، قبل از آن که آن را انجام دهد در (خزانه) علمش وجود دارد، هیچ چیزی برای او آشکار نمی شود؛ مگر آن که در (خزانه) علمش بوده است. برای خدا چیزی از روی جهل، آشکار نمی شود» (۲).

ص: ۲۶

۱- (۱) - اوائل المقالات: ۹۳ - ۹۲.

۲- (۲) - بحار الأنوار: ۱۱۱/۴ ح ۶۳.

و نیز فرموده است:

«هر کس اعتقاد دارد، چیزی که برای خدای عزوجل آشکار می شود، در گذشته آن را نمی دانسته، از او بیزاری بجوید» (۱).

دلایل امامیه در مسائل بداء

اشاره

مهمترین دلایل امامیه در مورد مسأله (بداء) عبارت است از:

۱- آیات قرآن:

خداوند می فرماید:

يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ (۲)

«خدا هر چه را بخواهد، محو و (هر چه را بخواهد) اثبات می کند و أمّ الكتاب (لوح محفوظ) نزد اوست».

و نیز می فرماید:

يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ (۳)

«تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، از او تقاضا می کنند و او هر روز، در شأن و کاری است».

۲- مسأله نسخ در تشریح

«نسخ در تکوین» مثل «نسخ در تشریح» است. و بداء نسخ تکوینی و نسخ «بداء» تشریحی است. نسخ در تشریح، در بعضی از

مسائل (مثل

ص: ۲۷

۱- (۱) - بحار الانوار: ۴/۱۱۱ ح ۳۰.

۲- (۲) - رعد (۱۳): ۳۹.

۳- (۳) - رحمن (۵۵): ۲۹.

تغییر قبله از مسجد الاقصی به سمت کعبه معظمه) ثابت می باشد و هیچ یک از مسلمانان در آن مخالفتی نکرده اند و هیچ یک از آنان، آن را مخالف علم ازلی خدای تعالی و مستلزم ثبوت جهل گذشته او ندانسته اند. بداء نیز تغییری در احکام تکوین است، بدون این که جهل گذشته خدا لازم آید و بدون این که مخالف علم ازلی خدای سبحان باشد.

حال اگر کسی بر « بداء» اشکال کند، اشکال او بر «نسخ» نیز وارد می شود، و آنچه در پاسخ به اشکالات نسخ داده اند، می توان همه آن را - بدون این که کوچکترین فرقی بین آن دو باشد - در مورد بداء بیان کرد.

در این صورت، اشکال بر بداء، تکرار همان اشکالی است که یهودیان در مورد نسخ در تشریح گفته اند (آنها نسخ را باطل و نسبتش را به خدای سبحان، غیر ممکن می دانند). در این جا همان پاسخی که دانشمندان اسلام در مورد این اشکال بیان داشته و امکان نسخ در تشریح را ثابت نموده اند - بدون این که اشکالی در مقام مقدس ربوبی پیش آید - می توان همان را در مورد نسخ در عالم تکوین و تدبیر نیز بیان کرد.

۳- تأثیر اعمال در سرنوشت انسان:

این امر، یک حقیقت قطعی قرآنی است که علاوه بر آن. در سنت نبوی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در این باره گفتنی است که اعمال انسان از ایمان و شرک، طاعت و معصیت، نیکی به

پدر و مادر، عقوق آنان، انفاق بر مستمندان و جلوگیری از آن، صلۀ رحم و قطع رحم و... در روزی و برکت و طول عمر و خوشبختی، مؤثر هستند.

قرآن کریم، این مسائل را بارها یاد آور شده و سنت هم آن را تأیید کرده است.

خداوند می فرماید:

...إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ... (۱).

«خداوند سرنوشت هیچ قوم (وملتی) را تغییر نمی دهد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند.»

منکران بداء باید بدانند که نتیجه انکار آن، انکار این گونه حقایق روشن است و اگر به آن ایمان داشته باشند، همان چیزی است که امامیه نام آن را «بداء» گذاشته اند.

«بداء» از دیدگاه دانشمندان شیعه:

آنچه گذشت، معنای «بداء» از نظر دانشمندان شیعه در گذشته و حال است.

شیخ مفید (رحمه الله) می گوید:

«راه (اثبات) نظریه امامیه در مورد بداء، شنیدن (دلیل نقلی) است، نه تعقل (و فکر کردن). معنای آن، حدوث و پیدایش یک نظر

ص: ۲۹

و روشن شدن چیزی نیست که از خدا مخفی بوده باشد بلکه تمام کارهایی که در آفرینش برای او آشکار شده پیش از آن که به وجود آید، همیشه برای او معلوم بوده است» (۱).

شیخ طوسی (رحمه الله) می گوید:

«حقیقت بداء در لغت، آشکار شدن است و به همین دلیل می گویند: بدا لنا سور المدینه؛ یعنی: دیوار شهر برای ما آشکار شد و: بدا لنا وجه الرأی؛ یعنی: دلیل نظریه برای ما آشکار شد. و در صورتی که این لفظ به خدا نسبت داده شود، باید گفت که نسبت دادن قسمتی از آن به خدا جایز است و قسمتی از آن جایز نیست؛ اما آنچه جایز است آن است که: خود نسخ را برساند و نسبت دادن آن به خدا یک نوع توسعه در معناست. و هر آنچه از امام صادق (علیه السلام) و امام باقر (علیه السلام) روایت شده که شامل نسبت دادن بداء به خدای تعالی می باشد، به این معناست، نه معنایی که نسبت دادن آن به خداوند، جایز نیست (مثل تحصیل علمی که قبلاً آن را نداشته است).

و دلیل اطلاق این لفظ بر خدای متعال تشبیه است؛ یعنی آنچه دلالت بر نسخ دارد و به وسیله آن برای مکلفان، چیزی آشکار می شود که سابقاً آشکار نبود و علمی از آن را به دست آنان می دهد که قبلاً به دست آنان نرسیده بوده آن را «بداء» نام نهاده اند (۲).

ص: ۳۰

۱- (۱) - تصحیح اعتقادات الامامیه: ۶۶ چاپ دار المفید.

۲- (۲) - عده الاصول: ۲۹/۲.

«بداء دارای معنایی است که (نسبت دادن) بعضی از آن معانی به خداوند جایز است و برخی جایز نیست. بداء با فتحه ومد می باشد و بیشترین چیزی که در لغت به آن اطلاق شده، آشکار شدن چیزی بعد از پنهانی آن و به دست آوردن علم بعد از جهل است. و همه امت - جز تعدادی غیر قابل توجه - بر ممنوع بودن (نسبت) آن به خداوند اتفاق نظر دارند. و هر کس آن را به شیعه امامیه نسبت دهد، بر آنان دروغ بسته است و شیعیان امامیه از آن بیزارند» (۱).

سید شرف الدین موسوی می گوید:

«خلاصه آنچه شیعه در این مورد می گوید این است که: خداوند از بیماری می گاهد و گاهی بر آن می افزاید، و همین طور است، اجل (مرگ)، سلامتی، بیماری، خوشبختی، بدبختی، سختیها، مصیبتها، ایمان و کفر و دیگر چیزهایی که آیه شریفه: *يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ* (۲) شامل آن می شود. آنچه (گفته شد) همان مذهب عمر بن خطاب، ابن مسعود، ابی وائل و قتاده است و جابر آن را از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت نموده است.

بسیاری از گذشتگان دعا نموده و در پیشگاه خدا تضرع می کردند که آنان را از سعادت‌مندان قرار دهد و این (مطلب) در دعاهای ائمه ما به تواتر رسیده است. در روایات زیادی وارد شده است که صدقه

ص: ۳۱

۱- (۱) - مصابیح الانوار: ۳۳/۱.

۲- (۲) - رعد (۱۳): ۳۹.

دادن، نیکی به پدر و مادر و انجام (کارهای) نیک، شقاوت را به سعادت تبدیل می کند و بر طول عمر می افزاید.

ابن عباس گفته است:

«دوری کردن از مقدرات، سودی ندارد، ولی خدا به وسیله دعا آنچه از مقدرات را بخواهد محو می کند و این همان بداء است که شیعه بدان اعتقاد دارد. شیعیان آن را به علت مشابهت - مجازاً - بداء نامیده اند، پس دعوی بین ما و اهل سنت، لفظی است، و بداء به آن معنایی که شیعه می گوید و ما بیان داشتیم، مورد اعتقاد همه مسلمانان است» (۱).

شیخ آقا بزرگ تهرانی می نویسد:

«معنای بداء در لغت، آشکار شدن نظریه ای است که سابقاً نبوده است و صحیح دانستن چیزی است که قبلاً معلوم نبوده و بعد معلوم شده است. این معنا برای همه انسانها امکان پذیر است ولی نسبت به خدای تعالی محال است؛ چرا که مستلزم پیدایش این نظریه است که او اول بدان جاهل و یا از انجام آن ناتوان بوده است! حال آن که خدای تعالی از هر دوی آنها منزّه است.

پس بداء در اعتقاد امامیه بدان معناست که باید همه مسلمانان به آن اعتقاد داشته باشند؛ چرا که در مقابل یهودیانی هستند که می گویند: خدای تعالی از کارها فارغ شد و دیگر برای او امر جدیدی رخ نمی دهد

ص: ۳۲

و می گویند: **يَدُ اللَّهِ مَغْلُوبَةٌ!** (۱) ویا (در مقابل) کسانی (اند که از سخنان یهودیان پیروی نموده و معتقد شده اند که: خدای تعالی همه موجودات را به وجود آورد و یک دفعه آنها را ایجاد نمود... پس بعد از ایجاد ابتدایی، دیگر چیزی از او پیدایش نمی یابد ویا (در مقابل) کسانی (اند که به عقول و نفوس فلکی معتقدند و می گویند: خدای تعالی عقل اول را آفرید و سپس از حوزه ملکیت خود خارج ساخت و عقول دیگر در آن تصرّف می نمایند، پس بر هر مسلمانی بایسته است که این سخنان را (از ساحت خدای تعالی) پیراسته سازد و به آیه شریفه... **كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ** (۲) معتقد باشد) (۳).

نقش بداء در اعتقاد و تربیت سازنده:

اشاره

از آنچه گذشت، روشن شد که نزد همه مسلمانان، «بداء» یک مفهوم متداول قرآنی است و شیعیان امامیه با دیگر مسلمانان - جز در نامگذاری که از آن اشتباهاً نسبت جهل به خدای سبحان فهمیده می شود - هیچ تفاوتی ندارند. و صحیح بودن این نسبت نیز روشن شد. آنچه اینک برای ما مهم است، توجه به بُعد دیگر بحث است و آن اهمیت نظریه بداء نسبت به عقاید یک مسلمان می باشد.

ص: ۳۳

۱- (۱) - یعنی: دست خدا بسته است! (مائده: ۶۴).

۲- (۲) - الرحمن (۵۵): ۳۹.

۳- (۳) - الذریعه: ۳/ ۵۳ - ۵۱.

افکار و اندیشه‌ها از جهتی بر اساس پایه‌های علمی و دلایل منطقی آن و از جهت دیگر بر اساس فایده و ثمره آن سنجیده می‌شود.

در مورد موضوع بداء، گاهی با حالت سؤال می‌پرسند: اگر دوره آفرینش (و تصمیم) اوّل به واقع نمی‌رسد و در نهایت، لغو می‌شود، پس خبر دادن از آن، چه فایده‌ای دارد؟! در این صورت نتیجه اعتقاد به بداء چیست؟

پاسخ این است که: اعتقاد به بداء از دو نظر دارای اهمیت است:

۱- از نظر عقیدتی.

۲- از نظر تربیتی.

۱- از نظر عقیدتی:

علامه مجلسی در این باره می‌نویسد:

« ائمه (علیهم السلام) در مورد بداء، سخن را به نهایت رسانده‌اند تا پاسخی به یهودیان باشد که می‌گویند: خدا از کارها و نظام آفرینش فارغ شده است! همچنین پاسخی به معتزله باشد که می‌گویند: خداوند، موجوداتی مثل معدنها، گیاهان، حیوانات و انسانها را - همان گونه که الان وجود دارند - یک دفعه آفرید. و آفرینش آدم پیش از آفرینش فرزندانش نبوده و پیشی گرفتن آنان، تنها در آشکار شدن آنان بوده است، نه در خلقت و ایجادشان. آنان این سخن را از فلاسفه‌ای گرفته‌اند که معتقد به عقول و نفوس فلکی‌اند و می‌گویند: خداوند جز در عقل اوّل، اثر واقعی ندارد.

آنان خدا را از ملکش عزل می دانند و حوادث را به خودشان نسبت می دهند، نه خدای عزّ و جلّ» (۱).

از این گفتار روشن می شود که سفارشهای فراوان ائمه (علیهم السلام) بر بداء، به خاطر این است که هر اندیشه ای که قدرت خدا و خواست او را در حد و مرز خاصی محدود می سازد، باطل نموده و ثابت بکند که قدرت الهی از هر جهت، حقیقتی مطلق است، حتی از جهت تقدیری که خود خدای تعالی آن را در عالم تکوین، خلقت، تدبیر و ربوبیت مقدر می فرماید. تقدیر الهی نسبت به این مقدرات، او را در مقابل آن بی اراده و بی اختیار نمی کند.

همچنین آنان در ضمن بیان تقدیر الهی - که لوح محفوظ و تغییر ناپذیر در باره آن وجود دارد - ، بداء را مطرح کرده اند و بدین گونه بر اراده و اختیار انسان و لوح محو و اثبات که خدای سبحان آن را از آغاز به تبع اعمال دنیوی انسان مقدر فرموده - تأکید نموده اند.

گویا اعتقاد به بداء برای تکمیل نمودن اعتقاد به «قضا و قدر» است تا زیاده گویی و افراط را از عقیده قضا و قدر بر طرف سازد و به معنای این نباشد که اختیارات را از خدای سبحان و انسان بر گیرد. باید عقیده به قضا و قدر را به وسیله بداء تکمیل نمود. بداء تأکیدی

ص: ۳۵

است بر این که تقدیر به مرزی نمی رسد که اختیار را از خدا و انسان سلب نماید.

۲- از نظر تربیتی:

اعتقاد به بداء دارای اثر تربیتی سازنده ای در زندگی انسان است.

علامه مجلسی (رحمه الله) در بحث «دلایل سفارش ائمه (علیهم السلام) به بداء» می فرماید:

«ائمه (علیهم السلام)، آن (اعتقاد یهود) را منتفی دانسته و ثابت کردند که خدای تعالی در هر روزی، در یک مقام است؛ از قبیل از بین بردن یکی و ایجاد کردن دیگری، میراندن کسی و زنده کردن دیگری و از این قبیل... تا این که بندگان تضرع به درگاه خدا و درخواست از او، پیروزی از او و نزدیکی به او را به وسیله آنچه دنیا و آخرتشان را اصلاح می کند، ترک نکنند و نسبت به صدقه دادن به فقیران، صلۀ رحم، نیکی به پدر و مادر و نیز خوبی و نیکی که در مقابل آنها وعده طول عمر و زیاد شدن روزی داده شده امیدوار باشند.

و عقیده به بداء از این نظر، با ایجاد اعتقاد به توبه و شرایط قبولی آن، نزد خداوند مساوی است، پس همان گونه که توبه در جهت سازندگی انسان، جلوگیری از یأس و نومیدی، گشودن درب آرزو، امید و ایجاد روحیه تغییر و آمادگی برای اصلاح (بشر) اثر مثبت دارد، بداء این اثرات را در زندگی انسان به جای می گذارد بلکه بداء از لوازم توبه و اعمالی مانند آن است.

از لوازم توبه اعتقاد به این است که قلم خدای سبحان، هنوز در لوح محو و اثبات خشک نشده است و او می تواند آنچه را بخواهد محو، یا اثبات کند. و بر اساس آنچه بنده خود را به مکارم اخلاق و اعمال شایسته می آراید و یا دست به اعمال ناشایست می زند، هر که را بخواهد، خوشبخت و هر که را بخواهد، بدبخت می کند.

مشیت الهی، گزافه ای نیست که تابع دلیل حکیمانه ای نباشد بلکه اگر بنده توبه کند و واجبات را بجا آورد و به حقایق الهی، چنگ زند، از صفوف اشقیاء خارج و به شمار سعادتمندان می پیوندد... در پرتو آنچه گذشت، می توان سخن ائمه (علیهم السلام) را فهمید که می فرمایند:

خدا به هیچ چیزی همانند بداء پرسش نشده است (۱) و: خدای عزوجلّ به هیچ چیزی همانند بداء بزرگ داشته نشده است. (۲)

و: خدا هیچ پیغمبری را بر نگزید مگر آن که در او سه صفت باشد: اقرار به بندگی و راندن شریکان و این که خدا هر آنچه بخواهد مقدم می دارد و هر آنچه بخواهد به تأخیر می اندازد» (۳).

پرسشهای در باره ی بداء

در زمینه «بداء» سؤالاتی به شرح زیر وجود دارد که بایسته است بدانها پاسخی کافی داده شود.

ص: ۳۷

۱- (۱) - اصول کافی: ۱/ ۱۴۶، کتاب توحید، باب بداء.

۲- (۲) - اصول کافی: ۱/ ۱۴۷، کتاب توحید، باب بداء.

۳- (۳) - ۱ - همان.

۱- اعتقاد به بداء منجر به سرزدن کارهای بیهوده از سوی خدای تعالی می شود؛ چون با توجه به این که خداوند می داند در آینده نزدیک، از طرف او تغییر و بداء پیش می آید، خبر دادن از حالت اول بیهوده خواهد بود؟

پاسخ: فرض بیهودگی در صورتی است که هدف و منفعت مورد نظری، برای خبر دادن از حالت اول تصوّر نکنیم و اثبات این فرض ممکن نیست، پس ممکن است در این خبر دادن، هدف و منفعت بزرگی وجود داشته باشد که به خود بنده بر گردد.

۲- اگر پیامبر یا امام از چیزی خبر دهند، سپس در تحقّق آن چیز، بداء پیش آید، باید خبر اول به مصدري نسبت داده شود، حال، سؤال این است که پیامبر یا امام، در خبر دادن به چه منبع و مصدري تکیه دارند؟

پاسخ: جواب این سؤال نیاز به بیان یک مثال دارد: شخصی سمّ مهلکی می خورد که قطعاً به مرگ او منجر خواهد شد؛ چنانچه شما این حادثه را مشاهده کنید، از فرا رسیدن مرگ او بعد از چند ساعت، خبر می دهید؛ این خبر دادن، به مقتضای نوشیدن «سمّ مهلک»، خبر صادقی است و اگر به علت پیدایش مانعی، او نمیرد (مثل حاضر شدن پزشکی که وی را کاملاً معالجه کند)، این خبر دادن، دروغ نخواهد بود و از خبرهای بدون دلیل، شمرده نمی شود. خبرهای آسمانی نیز که از واقع شدن برخی امور در آینده خبر می دهند، این چنین هستند؛ چرا که آنها به علت مقتضی آن حادثه - که

مشروط به نرسیدن مانع است - دائمی اند و از این پاسخ - جز بی اطلاعی پیامبر (صلی الله علیه و آله) یا امام از رسیدن مانع در آینده - هیچ اشکالی به وجود نمی آید، پس گفتنی است که خدای تعالی، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را از علت حادثه با خبر ساخته، ولی خواسته است او را از رسیدن مانع - که در آینده برای بندگان پیش خواهد آمد - با خبر نسازد.

۳ - پیدایش بداء، منجر به این می شود که پیامبر یا امام، در معرض اتهام به دروغ قرار گیرند.

پاسخ:

گناه متهم کردن پیامبر یا امام به دروغگویی، بر عهده گوینده آن است؛ اگر اتهام از سوی کافر باشد که این مطلب در قبال نپذیرفتن ایمان به توحید و نبوت و معاد، از آنان بعید نیست و اگر از مؤمنی سرزده که فرض این است که ایمانش، او را از این عمل باز می دارد و اگر او را باز نمی دارد، آن هم دلیل بر ضعف ایمان اوست.

آنچه مهم است این که بداء دلیل منطقی برای متهم نمودن به دروغ نیست بلکه بسیاری از حالات بداء نوعی تصدیق است، مثل قصه ابراهیم (علیه السلام) که مأمور به سر بریدن فرزندش شده بود، دستور جدید (برای قربانی کردن قوچ)، خود تصدیق دستور اول به سر بریدن اسماعیل (علیه السلام) را می رساند. حال اگر خبر اول صادق نبود، قربانی کردن گوسفند نیز به جای او «فدا» محسوب نمی شود؛ چرا که «فدا» به معنای «بدل و عوض» می باشد.

ص: ۳۹

نسبت دادن بداء (به معنای عوض شدن نظریه)، به خدای متعال، محال است و امامیه به آن اعتقاد ندارند بلکه آن را محال می دانند و می گویند:

«کسی که بدان اعتقاد داشته باشد، کافر است و باید از او بیزاری جست» (۱).

معنای معقول بداء و آنچه اعتقاد به آن واجب است، آن چیزی است که در آیات قرآن کریم؛ مثل: *يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ* وجود دارد. تجلی این محو و اثبات، آن جاست که خداوند در ظاهر چیزی را به خاطر مصلحت، بر زبان پیامبر یا ولیش جاری می کند و سپس آن را محو می نماید. در این صورت، این امر جدید، غیر از آن چیزی است که در مرحله اول ظهور پیدا کرده بود، با توجه به این که خدا قبلاً آن را می دانسته است.

بداء شبیه نسخ شدن احکام ادیان گذشته به وسیله دین پیامبر ما حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) است و یا شبیه به نسخ شدن برخی از احکام شریعت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به وسیله احکامی است که بعد از آن حکم اولی آمده است. (۲)

ص: ۴۰

۱- (۱) - عقائد امامیه، محمد رضا مظفر: ۴۵، چاپ نجف اشرف، چاپ دوم.

۲- (۲) - عقائد امامیه: ۴۶.

کسی که به این شکل از بداء معتقد نباشد، در واقع قدرت و اراده مطلق خداوند را محدود ساخته است و قرآن کریم در ضمن بر شمردن برخی از عقاید یهود، به آن اشاره فرموده است: وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ (۱) این دیدگاه در عقاید برخی از فرقه های اسلامی غیر امامیه نیز رخنه کرده است.

ص: ۴۱

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

